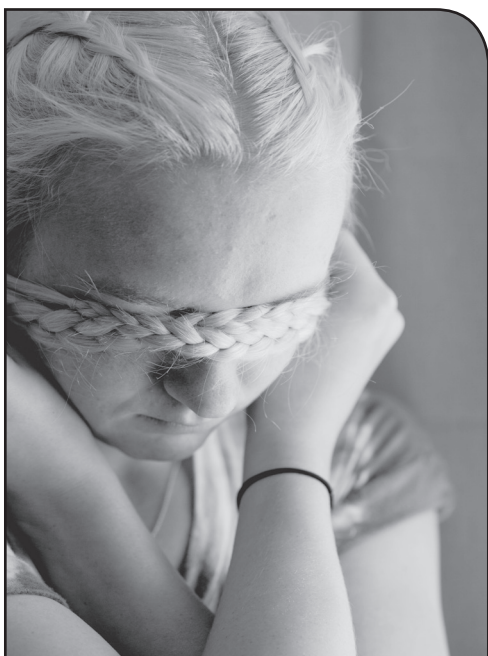


فصل نه

تن فروشی



تن فروشی

زن این پا و آن پا می کرد. صبر کرد تا همه مشتری ها از مغازه بیرون بروند. حاج احمد رو کرد به سمت زن و گفت: بفر مایید. زن که رویش را محکم گرفته بود، با تته پته گفت: «راستش نمی دونم چه جوری بگم. من از کار بیکار شدم. شوهرم هم فوت شده.... دوست دارم یخچال خونه من رو ببینید. خالی، خالیه... بچه هام سه ماهه رنگ گوشت رو به خودشون ندیدند. من یک کیلو گوشت میخوام.... هر کاری هم بگید، میکنم... هرکاری...»

طرز حرف زدن و صدای زن برای حاج احمد آشنا بود. یادش آمد... آره، زن غلام سبزی فروش بود که شوهرش در تصادف فوت شده بود. حاج احمد سرش را گرفت تو دستهایش، رویش را برگرداند، بغضش رو خورد و آرام گوشه ی چشمش را پاک کرد و گفت: «خانم این حرفها چیه. لازم نیست. خاک بر سر ما بکنند که از احوال شما ی همسایه غافلیم». بدون مکث در یخچال را باز کرد و ران گوسفندی را گذاشت توی پلاستیک.

تن فروشی از نظر شرعی، گناه و از نظر قانون، بزه محسوب می شود. در اینجا بدون اینکه بخواهیم نادیده گرفتن شئونات مذهبی و حقوقی و کمرنگ کردن

قبیح این مسئله، می‌خواهیم به تن‌فروشی در مقام یک مسئله اجتماعی آسیب‌زا و به زن تن‌فروش به‌عنوان یک قربانی بنگریم. تن‌فروشی، هم از دید جامعه‌ی ما امری حرام و دارای تبعات منفی است و هم از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران غربی موضوعی است که باعث آسیب جسمی و روحی به زن تن‌فروش می‌شود. البته مرد خریدار تن‌فروشی یا همسرش نیز از این آسیب در امان نیستند. از این‌رو، تن‌فروشی یک مسئله اجتماعی آسیب‌زا در نظر گرفته می‌شود.

هر تن‌فروشی از شرایط سخت خانوادگی و اقتصادی برمی‌خیزد و سپس از طرف جامعه طرد می‌شود و راه برگشتش نیز سخت و دشوار است. جسم او در معرض بیماری‌ها و سوءقصد‌های بسیار قرار می‌گیرد و حق ندارد از مراقبت‌های یک همسر و یک یار همراه بهره‌برد. بدین ترتیب، زمینه‌ی تعادل انسانی او در همه‌ی ابعاد فراهم نیست؛ پس، تن‌فروشی اگرچه بزه و یک مسئله‌ی اجتماعی آسیب‌زا است، اما نگاه ما به تن‌فروش، نباید معادل نگاه ما به یک دزد یا بزه‌کار حرفه‌ای باشد. تن‌فروشان بیشتر از آنکه یک بزه‌کار باشند، افراد ضعیف، تنها و ناتوانی هستند که به تن‌فروشی وادار شده‌اند. تن‌فروشی به‌ویژه از نوع خیابانی آن علت بسیاری از مسائل و مشکلات برای زنان تن‌فروش است. مطالعه‌ای در سال ۱۹۹۴، در مینیاپولیس سنت پول در ایالت مینسوتا در امریکا، روی ۶۸ زن انجام شد که حداقل شش ماه تن‌فروشی کرده بودند و نتایج زیر مشاهد شد (ریموند، ۱۹۹۹):

- بیماری‌های مقاربتی مشکل دیگر تن‌فروشان است. تنها ۱۵٪ از زنان تن‌فروش از بیماری‌هایی مثل کلامیدیا، هریس، ویروس پاپیلوما‌ی انسانی و سیفلیس جان سالم به در برده بودند و ۸۵٪ از زنان حداقل

- یکبار بیماری تورم لگن را تجربه کردند.
- تبعات منفی سلامت هیجانی تن فروشی شامل ضربه های روحی شدید، استرس، افسردگی، اضطراب و خوددرمانی از طریق استفاده از الکل و سوء مصرف مواد و اختلال خوردن می شود.
- تقریباً همه این زنان خود را به صورت شیمیایی معتاد به مواد می دانستند. بیشترین مواد مورد استفاده آنان کراک، کوکائین و الکل بود. ۴۶٪ از آنان به خود کشی اقدام کرده بودند و ۱۹٪ از آنان سعی کرده بودند که به خود آسیب جسمانی برسانند.
- ۷۰٪ از ناباروری زنان در کشورهای توسعه یافته، به علت بیماری های جنسی انتقال یافته به این زنان بوده است که رد پای آن در بیماری همسران یا شریکان زندگی آنان دیده شده بود و به احتمال زیاد تن فروشان در این زمینه نقش مهمی را ایفاء کرده بود.

تعریف تن فروشی

در اینجا تعریفی از تن فروشی ارائه می کنیم که تنها شامل تن فروشی خیابانی نیست، بلکه انواع دیگر تن فروشی را نیز شامل شود. تن فروش در این تعریف زن یا مردی است که در ایجاد رابطه جنسی با دیگران، موضوعات مادی همچون کسب درآمد را محور و اولویت رابطه خود با دیگران قرار می دهد و در روابط او، تعهد و انحصار در روابط جنسی مفهومی ندارد. به عبارتی، او به داشتن رابطه ی جنسی با زوج خود متعهد نیست و رابطه ی جنسی را (به صورت دائم یا موقت) منحصر به همسر خود نمی کند.

تفاوت بین تن‌فروشی و ازدواج موقت

به‌طورکلی، می‌توان گفت که ازدواج موقت در واقع یک «ارتباط یک به یک کنترل‌شده» است که تکالیف و وظایف طرفین را به روشنی مشخص می‌کند و حتی اگر به‌قصد مادی یا ارضاء نیازهای روحی یا جسمی باشد، دارای محدودیت اخلاقی و عقلی است؛ درحالی‌که تن‌فروشی با هر نیت و قصدی از لحاظ اخلاقی قابل دفاع نیست و اساساً به رفع نیازهای مادی و جنسی کمک می‌کند و در آن تعهد یا انحصار رابطه مفهومی ندارد.

برخی از افراد به اشتباه متعه یا صیغه را معادل تن‌فروشی می‌دانند. در اینجا باید پاسخ داد که متعه یا ازدواج موقت حتی در مادی‌ترین شکل خود منحصر به یک فرد است و صدمات تن‌فروشی را ندارد. زیرا:

- زنی که وارد متعه می‌شود، می‌داند که در پی هر رابطه جنسی باید حداقل ۴۵ روز (یا به اندازه دو دوره کامل حیض) از ایجاد رابطه با فرد دیگری بپرهیزد. ازاین‌رو اگر بخواهد مادی فکر کند، باید بسیار گران تن‌فروشی کند. در چنین وضعیتی کسی خریدار خدمات جنسی او نیست. ازاین‌رو، معمولاً کسی که وارد متعه می‌شود، مؤلفه‌های اخلاقی و انسانی را در رابطه با همسرش در نظر می‌گیرد و سعی می‌کند زمان طولانی‌تری در متعه قرار بگیرد و ارتباطش را تنها به فرد خاصی منحصر کند.

- فرد در متعه الزاماً به دنبال این نیست که رابطه جنسی‌اش غیرمولد باشد، اگرچه به‌خاطر شئونات و عرف اجتماعی، ترجیح می‌دهد که فرزند خود را در یک ازدواج دائم به دنیا بیاورد.

- زن در متعه در یک زمینه‌ی مذهبی که از قداست برخوردار است، وارد یک رابطه‌ی جنسی می‌شود. همین امر باعث می‌شود که زوجین

ارزش‌های اخلاقی و اجتناب از ظلم را در زمینه‌ی ذهن خود در نظر بگیرند. از این رو، زمینه‌ی شکل‌گیری ازدواج موقت، حتی در مادی‌ترین شکل خود، معادل زمینه‌ی شکل‌گیری تن‌فروشی نیست. پس، فضایی که در آن خداوند واقعاً حاکم است، کمتر می‌تواند زمینه‌ساز ظلم شود و حتی زمینه‌ساز رشد و تکامل انسانی و معنوی نیز هست. باین حال، رشد انسانی افراد تنها با اعتقاد واقعی زوجین به خدا و پای‌بندی جدی آن‌ها به اخلاق ممکن می‌شود. در صورتی که تعهد و مسئولیت‌پذیری و ارزش‌های اخلاقی بر روابط افراد حاکم نباشد، حتی روابط یک زن و شوهر دائم هم زمینه‌ساز رشد انسانی آن‌ها نیست و حتی باعث آسیب آن‌ها به یکدیگر نیز می‌شود.

با همه‌ی این اوصاف، توصیه می‌شود افرادی که اقدام به انجام متعه می‌کنند، ارزش‌های اخلاقی انسانی را به صورت جدی در اولویت ارتباط خود قرار دهند و هر چه بیشتر از ازدواج‌های موقتی که تا حدی شبیه به تن‌فروشی هستند، پرهیزند. در این راستا، قانون‌گذاران نیز باید سعی کنند تا ابعاد انسانی قوانین متعه نیز تضمین شود؛ به طور مثال، زنی که رابطه‌ی خود را به همسر خود منحصر می‌کند، باید از حقوقی همچون نفقه در زمان بارداری برخوردار باشد. این موضوع یک موضوع انسانی محسوب می‌شود و اگر بخواهیم فراتر ببریم و به رکن اصلی فضای فرهنگی اعتقادی جامعه‌مان توجه کنیم، درمی‌یابیم که هیچ پدر یا مادری نباید به خاطر فرزندش دچار ضرر یا زیان شود.^۱ اگر ازدواج موقت صرفاً خرید خدمات جنسی - بدون لحاظ نمودن ابعاد اخلاقی یک تعامل انسانی - باشد، این ارتباط به تن‌فروشی شباهت پیدا می‌کند.

۱. لا تضار والده بولدها ولا مولود له بولده (قرآن، بقره: ۲۳۳).

به نظر می‌رسد که دولت‌مردان، قانون‌گذاران و متولیان فرهنگ در جامعه می‌توانند کمک کنند تا متعه بسیار متعهدانه‌تر اعمال شود.

عوامل مؤثر

معضلات اقتصادی، مشکلات خانوادگی (آشفتگی، طلاق یا اعتیاد)، عدم توانایی حرفه‌ای و ضعف مقابله با تنیدگی‌های روحی (مانند فشار اضطراب و ناامنی) در دختران یا زنان از مهم‌ترین عوامل تن‌دادن به تن‌فروشی، به‌ویژه تن‌فروشی خیابانی، است (وروایی، ۱۳۸۴).

در این راستا، تشخیص و حمایت از افرادی که در شرایط خطرناکی همچون فقر، مشکلات خانوادگی و اضطراب و ناتوانی هستند، بسیار مؤثر است. یکی از این راه‌ها ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین این افراد و افراد حمایت‌کننده و معتمد در محلات است.

آیا تن‌فروشان خواهان تغییرند؟

وقتی از روسپیان دلائل عدم ترک حرفه روسپی‌گری سؤال می‌شود، ایشان ابراز داشته‌اند:

- نیاز مالی،
- عدم پذیرش اجتماعی،
- ترس از تنهایی بیشترین علل برای ترک نکردن حرفه روسپی‌گری است (وروایی، ۱۳۸۴).

وقتی در این پژوهش از پاسخگویان سؤال شد: اگر امکان تأمین مخارجتان به گونه‌ی دیگر فراهم می‌شد، چقدر احتمال داشت به دنبال این کار بروید؟ بیش از نیمی از پاسخگویان، یعنی ۵۳/۹٪، اظهار داشتند:

«اصلاً» و ۴۱/۳٪ اظهار داشتند: «کم یا خیلی کم» (روایی، ۱۳۸۴). به عبارتی، تنها تعداد بسیار کمی به ادامه‌ی این حرفه تمایل داشتند و در نتیجه، نیاز اقتصادی، ترس از تنهایی و عدم پذیرش اجتماعی، مهم‌ترین عوامل برای ترک‌نکردن روسپی‌گری است.

فهرستی از پرسش‌های اثرگذار

پرسش‌های زیر در این بخش به نوعی به جمع‌بندی مطالب قبلی کمک می‌کند. باید توجه داشت که اگرچه پرسش‌های زیر بیشتر مربوط به زنان و دختران است، با این حال می‌تواند شامل پسران، مردان، افرادی که جنسیت خود را تغییر داده‌اند و ... نیز بشود:

۱. آیا زنان و دختران فقیر و جوان که برای کسب درآمد ناتوان باشند، در یک محله وجود دارد؟
۲. آیا این زنان و دختران یک خانواده حمایتگر دارند؟
۳. آیا زنان و دختران مذکور، پدران بیکار، معتاد یا ناتوان دارند؟
۴. آیا احتمال دارد این زنان و دختران مذکور، پیش از این، در شرایط ناامن قرار گرفته باشند؟
۵. این افراد را تا چه اندازه محترم و ارزشمند تلقی می‌کنید؟
۶. آیا این زنان و دختران راه‌های کسب آرامش معنوی به‌ویژه نماز را می‌دانند؟
۷. این زنان و دختران با چه دوستانی یا گروه‌هایی ارتباط تنگاتنگ دارند؟
۸. آیا این زنان و دختران از خانواده‌هایی نامنسجم (طلاق یا فوت والدین، از هم گسیختگی...) هستند؟

۹. آیا این زنان و دختران دچار احساس اضطراب، ترس یا تنهایی هستند؟
۱۰. آیا این زنان و دختران معتاد هستند؟
۱۱. آیا نزدیکان این زنان و دختران معتاد هستند؟
۱۲. آیا افراد در جامعه برای داشتن روابط جنسی با این زنان حریص هستند؟
۱۳. تا چه اندازه افراد یک جامعه خود را متعهد به رعایت حقوق و کرامت انسانی طرف مقابل می‌دانند؟
۱۴. تا چه اندازه افراد یک جامعه خود را مسئول مراقبت از نیازمندان فقیر، یتام و بی‌سرپرستان (بدون سوءاستفاده) می‌دانند؟
۱۵. تافشار و محدودیتها جنسی در جامعه چه اندازه در روابط افراد سخت‌گیرانه و غیرمنطقی است؟
۱۶. تا چه اندازه جامعه یا محله (محل گذر تن‌فروشان) به زنان تن‌فروش (یا دیگر تن‌فروشان) فرصت بازگشت و توبه را می‌دهد (چنان‌که خداوند به آن‌ها فرصت بخشش می‌دهد)؟
۱۷. تا چه اندازه جامعه یا محله (محل گذر تن‌فروشان) به سلامت و درمان تن‌فروشان کمک می‌کند؟

طرح‌های محلی پیشگیری

با توجه به روال قبلی این کتاب می‌دانیم که حداقل دو راه برای مداخلات محلی وجود دارد: راه‌های مرتبط با حمایت‌های اجتماعی و راه‌های مربوط به مشارکت اجتماعی. بدین ترتیب، برای پیشگیری محله‌مدار از تن‌فروشی نیز می‌توان از این دو راه استفاده کرد.

در اینجا دو طرح پیشنهاد می‌شود که افراد را در گلوگاه نزدیک شدن به آسیب مورد حمایت قرار می‌دهد: در طرح نخست، این افراد را در محله شناسایی و به نهادهای مردمی متعهد، دلسوز و توانمند و حتی المقدور معنوی معرفی شوند؛ نهادهایی همچون برخی خیریه‌ها یا بسیج‌های محلی (بخش خواهران). در طرح دوم، این خانواده‌ها یا افراد از سازمان‌های متولی در کلان‌سیستم شهرها (همچون سازمان زندان‌ها یا کمیته امداد امام خمینی) رصد می‌شوند و به همان سازمان‌های محلی معرفی می‌شوند. در ادامه، به طرح «حمایت از دختران و زنانی که در چندقدمی فرار یا تن‌فروشی هستند» و در ادامه، به طرح دوم یا طرح «حمایت از خانواده‌های در معرض آسیب» می‌پردازیم.

حمایت از مروراید: از زنان و دختران در معرض آسیب حمایت کنیم.
 شاید هر یک از ما هرازگاهی در معرض شرایط سخت و مختلف فردی و اجتماعی بوده‌ایم و در معرض تصمیمات سخت قرار گرفته و آرزو کرده‌ایم که کاش کسی در مراحل حساس تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کرد. در این طرح، هدف این است که زنان و دخترانی را که در معرض آسیبی همچون فرار یا تن‌فروشی هستند، پیش از ورود به این وادی نجات دهیم.^۱ این برنامه به‌ویژه در مناطق آسیب‌خیز شهری اهمیت زیادی دارد. در مناطق آسیب‌خیز، زنان و دخترانی که دارای مشکلاتی همچون فقر و معضلات خانوادگی مانند

۱. یکی از اهداف کمی و عینی این طرح که می‌تواند تأثیرگذاری آن را نشان دهد، می‌تواند این موضوع باشد که تعداد دانش آموزان دختر و زنان (در معرض آسیب) که مورد حمایت این برنامه قرار می‌گیرند - به‌ویژه در مناطق آسیب‌خیز - افزایش یابد. این دختران باید روابط صمیمی‌تری را نسبت به قبل با خانواده خود برقرار کنند و این حد از صمیمیت باید آنقدر باشد که مشاور (یا روان‌شناس بالینی) بعد از مدتی آن‌ها را مجدداً ارزیابی کند و میزان امنیت روانی آنان را کافی بداند. همچنین، تعداد آمار مربوط به فرار دختران در مناطق مشخص آسیب‌خیز شهری (به صورت خاص) که سازمان بهزیستی در دست دارد، باید کاهش یابد.

آشفته‌گی خانوادگی و معضلاتی مانند اعتیاد پدر و عدم امنیت روانی هستند، باید مورد حمایت قرار گیرند.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود که میان سیستم‌های محلی مثل مدرسه دست به کار شوند و دخترانی را که در معرض فقر و عدم امنیت روانی هستند، تشخیص دهند و به سرعت در مسیر حمایت‌های روانی و اقتصادی قرار گیرند.

مدرسه می‌تواند با نهادهایی همچون نهادهای دولتی یا غیردولتی صادق و معتمد، یا زنان نیکوکار و نهادهای حمایت‌کننده‌ی صدیق و معتمد در محلات (مثل خیریه‌های فعال و متعهد و بسیج خواهران محله) ارتباط برقرار کند و این دانش‌آموزان را تحت مراقبت این نهادها قرار بدهد؛ نهادهایی که این دختران را از لحاظ روانی با دوره‌های مختلف مهارت‌های زندگی و هوش هیجانی، اخلاق مذهبی، حرفه‌آموزی یا مالی توانمند کنند و با یک فعالیت مثبت محلی مشغول کنند. ملکی (۱۳۹۶) نشان داده است که هرچه دختران بیشتر رفتارهای خود را در رابطه با خداوند تنظیم کنند، احتمال روان‌رنجوری آنان کمتر است. علاوه بر این، با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش دخترانی که انعطاف‌پذیری بیشتری دارند، احتمال روان‌رنجوری آن‌ها کمتر است. روان‌رنجوری یک ویژگی شخصیتی است که اساس و پایه‌ی آن اضطراب است. افرادی که نمره بالایی در این ویژگی می‌گیرند دارای عواطف منفی هستند و احتمال تجربه اضطراب بالا زیاد است و احتمال اینکه از ابعاد مختلف زندگی خود ناراضی باشند، زیاد است. به عبارتی، یک ویژگی شخصیتی است که تا حد زیادی می‌تواند سلامت روانی افراد را منعکس کند.

نهادهای فعال (ترجیحاً اخلاقی و مذهبی) می‌توانند وقت این دختران را با

کلاس‌های متعدد در خارج از منزل و در جایی مطمئن پر کنند. همچنین، به آنان موضوعاتی را یاد دهند که باعث کاهش اضطراب‌های آن‌ها شود و فرهنگ مذهبی را در آنان تقویت کنند و نیز حرفه‌ای همچون خیاطی را به آنان یاد دهند. البته، برخی از این دختران یا زنان نیازمند دوره‌های پیشرفته روان‌درمانی هستند که بی‌شک نباید از آنان دریغ نمود.

اما این طرح تنها مختص دختران در معرض آسیب نیست. بلکه باید زنان را نیز دربرگیرد. برای رصد و شناسایی زنان در معرض آسیب، خانم‌های جلسه‌ای می‌توانند در محل و خیریه‌ها در برنامه‌های متفاوت خود از خانم‌های محلی بخواهند که اگر دوستانی دارند که دچار مشکلات متعدد (مثل فقر، اعتیاد و تنش‌های خانوادگی، ...) هستند، آن‌ها را به آن خیریه معرفی کنند تا مورد حمایت قرار گیرند.

دقت‌نظرهای لازم:

- ایجاد ارتباط بین دانش‌آموزان دختر در معرض آسیب و هدایت آن‌ها به سمت نهادهای محلی صدیق و معتمد، باید با مهربانی، ظرافت، رازداری و حفظ کرامت و حرمت آنان صورت گیرد و در صورت نیاز باید مشاوران مدارس آموزش‌هایی ویژه در این رابطه ببینند.
- در انتخاب نهادهای محلی و خیریه‌ها باید دقت کافی صورت بگیرد و واقعاً کارآمدترین (اخلاقی‌ترین و توانمندترین) نهادها در هر محل انتخاب شوند. بدین ترتیب، نه تنها دانش‌آموز مورد حمایت‌های مادی قرار می‌گیرد، بلکه مشاوره دریافت می‌کند، آموزشهای مرتبط با هوش هیجانی به او ارائه می‌شود و درگیر فعالیت‌های یک گروه مثبت و معنوی محلی می‌شود.

دوره‌های هوش هیجانی یا حمایت از زنان در معرض آسیب ترجیحاً باید

از دوره‌های دختران در معرض آسیب یا دیگر گروه‌ها مجزا برگزار شود. این برگزاری مجزا، به علت نوع و محتوای مطالب قابل طرح در این دوره‌ها و همین‌طور به علت حفظ حرمت این خانواده‌هاست. شاید برای یک مادر حضور در همان کلاس‌هایی که فرزند در آن حضور دارد، راحت نباشد. آنچه برای این طرح از لحاظ پرسنل، مواد، زمان، مکان و هزینه لازم است، عبارت‌اند از:

پرسنل: نمایندگان قابل اعتماد بسیج فعال خواهران یا نهادهای معنوی، فعال و معتمد محلی که در تعامل با مدیران و معلمان مدارس دخترانه محلی قرار گیرند و از آن‌ها بخواهند دختران دارای شرایط ویژه خانوادگی، روانی و اقتصادی را برای برخورداری از حمایت به آن‌ها معرفی کنند. در صورتی که برنامه‌های آن بسیج محلی یا نهاد محلی غنی و قوی باشد، تنها باید این نوجوانان را در آن برنامه‌ها شرکت داد. البته وجود مددکار یا مشاوره که در مدرسه یا هر نهاد دیگری (همچون بهزیستی) که روند رشد این نوجوان را رصد کند، الزامی است.

مواد مورد نیاز: -

زمان مورد نیاز: کاملاً متغیر است. در صورتی که برنامه‌های آن بسیج محلی یا نهاد محلی قوی باشد، تنها باید این نوجوانان را در آن برنامه‌ها شرکت داد. البته، اختصاص زمان از طرف مددکار مدرسه یا محله که وضعیت این دختران را رصد کند، لازم است.

مکان انجام آن: یک نهاد مذهبی قوی، فعال و حمایتگر.

هزینه: بسیاری از داوطلبان فعال محلی معمولاً به صورت مجانی فعالیت می‌کنند. اما پرداخت هزینه دوره‌های این دختران و دیگر پرداخت‌های لازم، می‌تواند از طریق منابع خیریه‌ها، مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی یا

احتمالاً آخرین صورت گیرد. این هزینه در نواحی کم درآمد زیاد نیست. همچنین، در صورتی که مشاور (یا مددکار) مدرسه زمانی را خارج از وقت مدرسه برای این دختران صرف می کند (مثلاً، برای ارتباط و مقاعدسازی خانواده‌ی این دختران و کسب اجازه برای حضور آن‌ها در نهادهای محلی یا رصد روند رشد این نوجوان)، باید دستمزد اضافه به وی پرداخت شود.

خانواده امن: از خانواده‌های در معرض آسیب حمایت کنیم.

در بسیاری از موارد، تنها یک دختر از یک خانواده در معرض آسیب نیست، بلکه تعداد قابل توجهی از اعضای خانواده در شرایط سخت آسیب می بینند و با نجات یک خانواده افراد زیادی نجات پیدا می کنند. در این طرح سازمان‌هایی (همچون سازمان بهزیستی) که به وجود خانواده‌های پرتش آگاه هستند، رصد خانواده‌های نیازمند را شروع می کنند و آن‌ها را با اجازتی خود آن‌ها به نهادهای محلی معرفی می کنند.^۱ خانواده‌هایی که با مشکلاتی همچون اعتیاد، جرم و فقر روبرو هستند، احتمالاً از مسیر سازمان‌هایی همچون سازمان زندان‌ها، بهزیستی یا کمیته امداد عبور می کنند. ابتدا، باید از آنان خواسته شود که با خانواده‌های نیازمند صحبت کرده و به آن‌ها پیشنهاد کمک‌های بلاعوض در محلات را ارائه دهند؛ کمک‌هایی که خواه از طریق خیریه‌ها و خواه یک نهاد دیگر معتقد و معتمد محلی صورت می گیرد.

در مرحله بعد، پس از حضور مراجع در سازمان‌های محلی مشاور یا مددکار

۱. یکی از اهداف عینی و کمی این طرح می تواند افزایش تعداد خانواده‌های تحت حمایت سازمان زندان‌ها یا سازمان‌های مشابه دیگر و خیریه‌ها باشد. همچنین، افزایش تعداد و کیفیت خدمات به این خانواده‌ها نیز اهمیت زیادی دارد. خدمات باید به صورتی باشد که تاب‌آوری، توانمندی روانی و نیز توانمندی اقتصادی اعضای این خانواده‌ها به صورت معناداری افزایش پیدا کند.

آن مرکز باید به با وی ارتباط بسیار مؤثر، گرم و حامیانه برقرار کند و آن‌ها را جذب برنامه‌های حامیانه‌ی آن مرکز کند.

در این راستا، ارائه خدمات مددکاری و مشاوره‌ای به صورت منظم به خانواده‌های مسئله‌دار، ضروری است. همچنین، جذب مادران و دختران در معرض آسیب به دوره‌های مختلف مهارت‌های زندگی و هوش هیجانی، اخلاق برنامه‌های معنوی - اخلاقی، حرفه‌آموزی اهمیت دارند. برنامه‌های معنوی برای این گروه از این جهت اهمیت دارد که توان مقاومت آن‌ها را در مقابل سختی‌های زندگی افزایش می‌دهد.

دقت‌نظرهای لازم:

- ارتباط مؤثر و اعتمادسازی مددکاران نهادهای کلان همچون سازمان زندانها، کمیته امداد یا سازمان بهزیستی و نیز اعتمادسازی از طرف مددکار خیریه یا هر نهاد محلی معتمد دیگری بسیار ضروری است. حفظ کرامت، احترام و گرمی در ارتباط با مراجع ضروری است.
- دوره‌های هوش هیجانی یا حمایت از زنان در معرض آسیب، ترجیحاً و در شرایط مطلوب، باید از دوره‌های دختران در معرض آسیب یا دیگر گروه‌ها مجزا برگزار شود؛ اگرچه ورود به دوره‌های کلی هوش هیجانی، یا معنویت برای این افراد بی فایده نیست.

آنچه برای این طرح از لحاظ پرسنل، مواد، زمان، مکان و هزینه لازم است، عبارت‌اند از:

پرسنل: دو مددکار توانمند، یکی در سازمان‌هایی که این خانواده‌ها رصد می‌شوند و دیگری در یک نهاد محلی لازم است.

مواد موردنیاز: -

زمان موردنیاز: زمان با توجه به تعداد نیازهای هر خانواده متغیر است.

هزینه: اگر آن‌ها وارد فعالیت‌هایی بشوند که خیریه به صورت طبیعی آن‌ها را انجام می‌دهد، هزینه طرح کم است. با این حال، هیچ فعالیت خاصی بی‌هزینه نیست و سازمان بهزیستی یا سازمان‌های متولی دیگر با حمایت از این نهادهای محلی، کیفیت فعالیت‌ها را بیشتر می‌کنند.

جلوه عفاف: عفاف و مسئولیت‌پذیری را در اجتماعات محلی ترویج کنیم. جامعه ما به صورت سنتی تأکید بسیار زیادی بر عفاف و پاکدامنی دارد و در میان اقدشار جامعه ارزشی مهم به شما می‌رود. یکی از شرایطی که باعث اشاعه تن‌فروشی می‌شود، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به همسر خود (خواه زن یا مرد) و نیز کرامت انسانی هر زن دیگری است. البته، تأکید بر این پاکدامنی تنها در مدارس دخترانه کافی نیست، بلکه باید فراتر رفت و به‌ویژه مدارس پسرانه را نیز متوجه عفاف، پاکدامنی، مسئولیت‌پذیری نسبت به انسانیت و کرامت انسانی زن نمود. در این طرح، از مسئولان مدارس یا سازمان‌های محلی خواسته می‌شود که سخنرانی‌ها یا گفتگوهای بین جوانان در رابطه با مسئولیت‌پذیری و تعهد در روابط انسانی و خانوادگی طراحی کنند.^۱

در این رابطه نهادهای مذهبی که علم، تقوا و اخلاق انسانی را همگام با یکدیگر لحاظ می‌کنند، می‌توانند نقشی بی‌نظیر و بی‌بدیل داشته باشند؛ نهادهایی که عمیقاً صبر و نماز را که مراقبه‌ای ارزشمند در فرهنگ ایرانی و اسلامی ماست، ترویج می‌کنند؛ آنان که دائماً پاکی و عباراتی همچون

۱. یکی از اهداف عینی و کمی این طرح که می‌تواند نشانگر تأثیرگذاری آن باشد، این است که تعداد افراد با حجاب و تعداد رفتارهای مبتنی بر عفاف در بین جوانان یک محله در مقایسه با یک دوره قبلی (مثل شش ماه قبل) در محل‌هایی که افراد آزادانه‌تر رفتار می‌کنند (مثل خیابانهای اطراف مدارس دخترانه) افزایش یابد.

کفی بالله ولیا وکفی بالله نصیراً را می‌توانند به دختران و زنان در معرض آسیب یادآوری کنند؛ آنان که به معروف عمل می‌کنند و در اجتماعات و جمع‌های ریز و درشت، به‌ویژه در مناطق آسیب‌خیز، به عفاف، پاکدامنی و مسئولیت‌پذیری امر می‌کنند. بی‌شک، راه دین، راه اخلاق و انسانیت است و راه دیگری نیست و پیامبر (ص) نیز گفته است: به درستی من برای کامل کردن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام.

کسانی که عمیقاً باور دارند که حق ورود به هیچ‌گونه ارتباط بدون مسئولیت‌پذیری را ندارند؛ کسانی که مراقبت انسانیت را در هیچ شکل یا قالب قابل قبولی، همچون ازدواج موقت (که متأسفانه گاهی با بی‌مسئولیتی انجام می‌شود)، ذبح شرعی نکنند.

در این طرح اگر به‌صورت عینی شواهدی محکمی داشته باشیم که برخی اصناف یا گروه‌های محلی بیشتر در معرض آسیب رفتارهای نامناسب هستند، باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها شود. بدیهی است که ترویج عفاف و مسئولیت‌پذیری برای آن‌ها باید با مفاهیم، الفاظ و راه‌های مناسب متقاعدسازی صورت بگیرد.

دقت‌نظرهای لازم:

در هر جمعی باید به زبان آن جمع و از راه‌های مناسب آنان به فرهنگسازی پرداخت.

آنچه برای این طرح از لحاظ پرسنل، مواد، زمان، مکان و هزینه لازم است، عبارت‌اند از:

پرسنل: افرادی معتمد و متعهد که به اجرای سخنرانی‌های دوره‌ای در خصوص تعهد، عفاف و مسئولیت‌پذیری در دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه، اجتماعات و اصناف که نیاز به این مباحث داشته باشند، مبادرت ورزند.

مواد موردنیاز: -

زمان موردنیاز: زمان آماده‌سازی و اجرای دوره‌ای سخنرانی‌ها.
مکان انجام آن: ترجیحاً مدارس یا هر مرکز محلی دیگر که در آن گروه‌های هدف تردد داشته باشند.

هزینه: هزینه پرداختی به سخنرانان هزینه این طرح است. در صورتی که سخنران جزء کادر آموزشی یا داوطلب باشند، احتمالاً هزینه‌ای در بر ندارد. در غیر این صورت، منابع محلی می‌توانند برای تأمین هزینه سخنران مورد استفاده قرار گیرند.

حامیان بازگشت: همکاری سازمان‌های مردمی را برای بازگشت خیابانی جلب کنیم.

در روایات و آیات زیادی از قرآن حکیم و احادیث از توبه‌پذیری خداوند سخن به میان آمده است. به طور مثال، می‌بینیم که خداوند فرمودند: بگو، ای بندگان من که (با ارتکاب گناه) بر خود زیاده‌روی کردید، از رحمت خداوند نومید نشوید. یقیناً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است (زمر: ۱۵۳). اگر خداوند می‌بخشد و فرصت می‌دهد، ما انسان‌ها نمی‌توانیم در مقابل امر خداوند سرپیچی کنیم و فرصت بازگشت و بازپروری را به زنان خیابانی ندهیم. هدف این طرح بازپروری روانی زنان خیابانی با کمک سازمان‌های مردمی است.^۱ باید تلاش کرد تا این زنان وارد فرایند بازپروری شوند؛ زیرا زنان می‌توانند باعث آلوده‌شدن دیگر افراد شوند

۱. یکی از اهداف عینی و کمی این طرح که می‌تواند نشانگر تأثیرگذاری آن باشد، این است که تعداد زنان تحت پوشش این برنامه که از تن فروشی فاصله گرفته‌اند و پس از این برنامه به یک زندگی سالم با ثبات روی می‌آورند، به صورت معناداری افزایش یابد و یا اینکه تعداد افراد تن فروش در یک محله به صورت معناداری کاهش یابد.

و برخی رفتارهای آنان باعث اشاعه‌ی یکسری روش‌های غیراخلاقی در محله است. کشورهای همچون هلند یا آلمان تن فروشی را مجاز می‌شمارند و حتی از تن فروشان مالیات اخذ می‌کنند. کشورهای همچون کشور اسلامی و اخلاقی ما، ایران، باید راهی متفاوت را طی کنند: راه انسانیت و ارزش‌های انسانی. در مسیر پیشگیری از تن فروشی تا به حال گام‌های ارزشمندی برداشته شده است: گام‌هایی مثل حمایت از خانواده‌های فقیر، اشتغال‌زایی، صندوق‌های همیاری مالی زنان، طرح‌های خوداشتغالی زنان، کاهش مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانواده،

پس یکی از بهترین راه‌ها دعوت از سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه زنان به حضور در محلات (به‌ویژه محلاتی که حضور زنان خیابانی در آن‌ها زیاد است) و کمک به رفع نیازهای مختلف زنان نیازمند و فقیر است. با این حال، باید به‌صورت جدی به ارائه‌ی دوره‌های ویژه برای بهبود مهارت‌های فردی و اجتماعی این زنان نیز پرداخت؛ چرا که کمک‌های اقتصادی بدون کمک‌های عاطفی، فرهنگی و اجتماعی از این زنان یا دختران وضعیت زندگی ایشان را (کاملاً) بهبود نمی‌بخشد. پس، باید انواع مختلف حمایت‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از زنان و دخترانی در معرض آسیب، به‌صورت جدی انجام پذیرد. کمک به این زنان برای ورود به یک زندگی متعهدانه نیز موضوع مهم دیگری است که تن‌فروشی را از جامعه محو می‌کند. تقریباً تمام زنان تن‌فروش می‌خواهند از این شرایط خارج شوند. کمک به خارج‌شدن از این آسیب، خود از مهم‌ترین راهکارهای برخورد با این معضل است. در برخی کشورها، یکی از مذهبی‌ترین اқشار جامعه (خواهران روحانی) که از مباحث روان‌شناسی مطلع هستند، برنامه‌ای شش هفته‌ای و مدون برای کمک به این قشر آسیب

دیده داشته‌اند تا آنان را از دایره تن‌فروشی خارج کنند (هیل، ۲۰۰۰). شاید چنین برنامه‌های محلی از سوی افراد مذهبی که زنان روسپی را طرد می‌کنند، در کشورمان دشوار به نظر برسد. بااین حال، برنامه‌های ارزشمندی نیز توسط افراد مختلف در نهادهای مرتبط با این امر طراحی شده است. در این راستا، سازمان‌های غیردولتی فعال در مراقبت از زنان در مناطق آسیب‌زا، سرمایه‌های مهم در این قبیل از طرح‌ها هستند. در این مسیر، تغییر هویت افراد از طریق برنامه‌های مذهبی اجتماعی و گره‌زدن هویت زنان تن‌فروش به زنانی که زندگی سالم و متفاوتی را حتی پس از روسپیگری ترک گفتند، نیز راهی اثرگذار است.

این نهادهای مردمی می‌توانند چنین زنانی را از مرکز نگه‌داری موقت شهرداری دریافت کنند و در مراکزی دور از هیاهوی شهر به بازپروری آنان اقدام کنند. البته، صرف نگه‌داری آنان با توجه به بیماری‌های مختلفی که دارند، هزینه‌های زیادی را می‌طلبد، بااین حال با تفکیک افراد سالم از افراد ناسالم و برنامه‌ریزی می‌توان به موفقیت‌هایی دست یافت.

آنچه برای این طرح از لحاظ پرسنل، مواد، زمان، مکان و هزینه لازم است، عبارت‌اند از:

پرسنل: پس از رساندن زنان خیابانی به مراکز نگه‌داری موقت شهرداری، این سازمان‌ها می‌توانند آن‌ها را پذیرش کنند و در مسیر دوره‌های بازپروری این زنان قرار دهند. آنان همچنان می‌توانند با حمایت بعد از بازپروری این افراد گام‌های دیگری نیز بردارند.

مواد موردنیاز: -

زمان موردنیاز: جلسات لازم برای متقاعدسازی سازمان‌های غیردولتی فعال در رابطه با زنان، جهت کمک به بازپروری این قشر و زمان لازم برای

بازپروری آن‌ها.

مکان انجام آن: مکان‌های این نهادهای مردم؛ ترجیحاً در مناطق آرام و بدون مخالفت مردم محلی.

هزینه: هزینه‌های این طرح نسبتاً زیاد و بر اساس نوع برنامه متفاوت است و ممکن است تا حدی از نهادهای مردمی تأمین شود، اما نقش سازمان‌هایی مثل سازمان بهزیستی که یک نهاد متولی در این زمینه است، بسیار چشمگیر است.